

مردم ارکان مرکزی حزب توده ایران

درد بخاطر شهیدان تابناک شهیدان حزب و جنبش رهائی بخش ایران!
ایمان، جانبازی و وفاداری را از شهیدان بیاموزیم و پرچم آنانرا سرفراز نگاه داریم!

دز باره جلسه مشورتی احزاب کمونیستی و کارگری

در بودایست موافقت نموده بود، رسماً از کلیه سازمانهایی که در سال ۱۹۶۰ در کنفرانس جهانی مسکو شرکت نموده بودند دعوت نمود تا هیئتهای نماینده گوی خود را برای شرکت در جلسه مشورتی تبادل نظر بودایست معرفی نمایند؛

یافت تاکنون بیش از ۷۱ حزب کمونیستی و کارگری و از جمله حزب توده ایران، موافقت خود را با تشکیل جلسه مقدماتی ای منظور مشورت و تبادل نظر در باره چگونگی تدارک و تشکیل کنفرانس جهانی اعلام داشته اند.

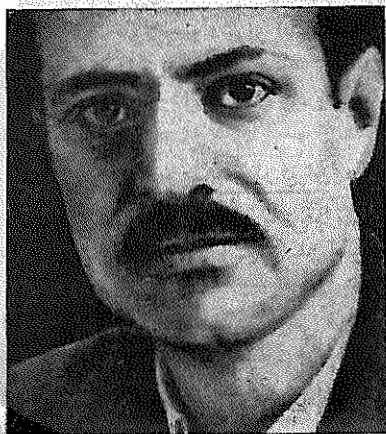
در تعقیب اطلاعیه ای که در ماه نوامبر ۱۹۶۷ از طرف ۱۸ حزب کمونیستی و کارگری در باره دعوت جلسه مشورتی احزاب برادر انتشار

جلسه مزبور که قرار است روز ۲۶ دنباله در صفحه ۵

از اینروز حزب سوسیالیست کارگری مجارستان، که با پیشنهاد تشکیل جلسه مزبور

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران

بهمه نیروهای ملی و دموکراتیک



خسرو روزبه فهردان ملی عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران



دکتر تقی ازانی رهبر زحمتکشان ایران

دوستان و هموطنان عزیز چنانکه میدانید در اردیبهشت سال آینده بمناسبت بیستمین سال تصویب اعلامیه حقوق بشر کنفرانس بین المللی حقوق بشر مرکب از کشورهای عضو و سایر کشورهای هائی که فقط در مؤسسات تخصصی سازمان ملل عضویت دارند در تهران تشکیل میگردد. تشکیل این کنفرانس در تهران پس از تشکیل کنفرانس های بین المللی دیگری مانند کنفرانس بین الجالیس، کنگره جهانی مبارزه با پیشوادی و غیره حلقه ای از اقدامات شاه و دولت دست نشانده او برای آراستن رژیم ضد دموکراتیک و مستور داشتن ماهیتشان از افکار عمومی جهانیان است. در همین زمینه اقدامات دیگری نیز از طرف رژیم بعمل آمده است؛ بدستور شاه کمیته ای برای «بررسی حقوق بشر» در تهران تشکیل شده است. شاه اشرف پهلوی را «براستعالیه» این کمیته منصوب کرده است؛ اشرف پهلوی از جاب خود منوچهر کنجی را بسمت مدیر کل آن برگماشته است. «کمیته ایرانی

حقوق بشر» روز ۱۹ آذر نخستین جلسه خود را تشکیل داده و اساسنامه خود را تصویب کرده است. دعوی شاه و رژیم آنست که گویا در ایران «واژین اعلامیه حقوق بشر که کشور ما از امضاء کنندگان آنست اجرا میشود. ولی واقعیات انکار ناپذیر ثابت میکند که این دعوی کذب محض است. در ایران اصول قانون اساسی نقض شده و بجای یک حکومت مشروطه با شاه غیر مسئول، رژیم استبدادی سکرو راست، در ایران حکومت پلیسی بنهاد میگردد و «ساواک» با نقض قانون اساسی و قوانین دیگر خود سرانه امنیت افراد را سلب و حقوق بشری آنانرا پایمال مینماید. افراد بجرم داشتن عقایدی مخالف عقاید رسمی مورد تعقیب خشن و شکنجه و آزار قرار میگیرند و برایشان پرونده سازی میکنند. در ایران اصول عادی محاکماتی مراعات نمیشود و جرائم سیاسی با نقض اصل ۷۹ قانون اساسی به دادگاههای اختصاصی و دنباله در صفحه ۵

اعلامیه بولیت بوروی کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان

(در باره حوادث اخیر یونان)

بیش از دو سه سال از فعالیت انشعابگرانه و بیش از دو سال از انشعاب در حزب توده ایران میگذرد. انشعابگران در اعلامیه ها و نشریات خود مسائل گوناگونی را در توجیه انشعاب مطرح کرده اند. ولی آنها با اعتراف به اینکه فعالیت انشعابگرانه خود را با شعار «تسلیم توده ها» (۱) آغاز کرده اند و سپس با تبدیل شعار «انقلاب فهر آمیز» و «همه چیز گر خدمت مبارزه مسلحانه» به شعار اصلی خود و همچنین با حمله به «یورژونیزم» و «رویزونیزم» حزب بویژه در مسئله «راه انقلاب»، در واقع تأکید کردند که موجودیت سازمانی و سیاسی آنها وابسته بهمین شعار است. بهمین جهت اینک

رژیم فاشیستی - نظامی یونان و حامیان امریکائی آن برای دادن صورت ظاهر قانونی باین رژیم و بشیردکار سازش میان سرهنگان و شاه و تسکین افکار عمومی مردم یونان و ملل جهان که از اعمال آنان سخت برآشفته اند و آنانرا محکوم میسازند و درعین حال برای آرامش خاطر برخی از دولتهای عضو ناتو به دو اقدام نظر فریب دست زده اند: اقدام اول: انتشار طرح قانون اساسی که اساسنامه دیکتاتوری است و هدف آن جنبه قانونی دادن به اختیاق ابتدائی ترین آزادیها و حقوق مردم است. اقدام دوم: اعلام باصطلاح عنوع عمومی که فقط شامل چند صد تن از هزاران زندانی

رژیم میشود. مضافاً بر اینکه آزاد شدگان از این پس به هر اقدام سیاسی دست برندارند با خطر دستگیری مجدد و اعزام به بازداشتگاهها روبرو هستند. این مانورهای ناشیانه دیپلماسی امریکا و سرهنگان خادم آن نمیتواند مردم یونان و افکار عمومی جهان را بفریبد زیرا حکمرانان نظامی، رژیم خشنی را که در آن قانون محاکمات نظامی و کنترل ارتش و تمام دستگاههای دولتی و سانسور جرائد و کنترل سازمانهای اجتماعی بقوت خود باقیست تشدید میکنند و حقوق و آزادیهای اساسی افراد و از جمله آزادی اجتماعات و حق انتخاب دنباله در صفحه ۵

سر نوشت يك شعار

بسی از دو سه سال از فعالیت انشعابگرانه و بیش از دو سال از انشعاب در حزب توده ایران میگذرد. انشعابگران در اعلامیه ها و نشریات خود مسائل گوناگونی را در توجیه انشعاب مطرح کرده اند. ولی آنها با اعتراف به اینکه فعالیت انشعابگرانه خود را با شعار «تسلیم توده ها» (۱) آغاز کرده اند و سپس با تبدیل شعار «انقلاب فهر آمیز» و «همه چیز گر خدمت مبارزه مسلحانه» به شعار اصلی خود و همچنین با حمله به «یورژونیزم» و «رویزونیزم» حزب بویژه در مسئله «راه انقلاب»، در واقع تأکید کردند که موجودیت سازمانی و سیاسی آنها وابسته بهمین شعار است. بهمین جهت اینک

رژیم فاشیستی - نظامی یونان و حامیان امریکائی آن برای دادن صورت ظاهر قانونی باین رژیم و بشیردکار سازش میان سرهنگان و شاه و تسکین افکار عمومی مردم یونان و ملل جهان که از اعمال آنان سخت برآشفته اند و آنانرا محکوم میسازند و درعین حال برای آرامش خاطر برخی از دولتهای عضو ناتو به دو اقدام نظر فریب دست زده اند: اقدام اول: انتشار طرح قانون اساسی که اساسنامه دیکتاتوری است و هدف آن جنبه قانونی دادن به اختیاق ابتدائی ترین آزادیها و حقوق مردم است. اقدام دوم: اعلام باصطلاح عنوع عمومی که فقط شامل چند صد تن از هزاران زندانی

درگذشت تختی

غلامرضا تختی قهرمان ورزشی ایران که «جهان پهلوان» نام گرفته بود در تاریخ شنبه ۱۶ دیماه ۱۳۴۶ در سن سی و هفت سالگی در تهران درگذشت. تختی با بدست آوردن چهار مدال طلا و ۶ مدال نقره در مسابقات جهانی و المپیک به یکی از درخشانترین چهره های ورزش ایران تبدیل شده بود. نه فقط کامیابهای ورزشی تختی بلکه روش سیاسی او و حمایتش از جنبش ملی ایران و دکتر مصدق و صفات شخصی انسانی او را یکی از محبوبترین ورزشکاران ایران بدل کرده بود. تختی بسبب سرسختی در همین راه مضروب شاه، دربار و دولت بود و چنانکه خود نوشته است دستگاه دولتی، او را به «یهودی سرگردان» بدل ساخته بود. دنباله در صفحه ۵

سرنوشت يك شعار

هسته های حزبی و سپس با بسط مبارزه از این هسته ها سازمانهای حزبی ایجاد میشود. از این سازمانهاست که باید حزب طبقه کارگر بیرون آید. (۳) ثاباً برای شروع کار هم که «انقلابیون و مارکسیست - لنینیستهای واقعی» وجود دارند و «سازمان انقلابی» خود را هم که تشکیل داده اند. آنها تا کید کردند که «شرایط ایران اکنون مساعد برای کار انقلابی است. البته درانتظار فراهم آمدن همه شرایط مساعد نمیتوان و نباید نشست. آغاز مبارزه مسلحانه بدون شک شرایط مساعد تازه ای فراهم خواهد آورد» (۴) و بویژه آنکه «راه قهر آمیز مبارزه راهی طولانی و دشوار است» (۵) بدینسان تنها کاری که باقی میماند «انتقال کادرها با ایران» و «ایجاد ده آزاد و پایگاه انقلابی» بود. (۶)

اولین جرعه مبارزه مسلحانه در ایران

زود خوردهای مسلحانه سنتی در منطقه عشایری جنوب از جانب انشعابگران بعنوان «اولین جرعه مبارزه مسلحانه در ایران» (۷) اعلام شد. آنها «صحت بیش یبی های» خود را برج کشیدند و به تبلیغات وسیعی در این زمینه دست زدند. در تحلیل واقع جنوب نوشتند «این جنگ جنگی است عادلانه و حق، جنگی است علیه بیدادگرهای رژیم، علیه جنایتها و خیانتهای هیئت حاکمه، جنگی است بخاطر برچیدن بساط رژیم که در طول حیات تنگن خود...» (۸) و افزودند که «سران نهضت جنوب میکوشند مبارزه خود را بر اساس قواعد جنگهای پارتیزانی سازمان دهند... بدین ترتیب نهضت جنوب از لحاظ ماهیت و شکل مبارزه با جنگهای عشایری تفاوت دارد و بهین جهت این کانون مبارزه مسلحانه میتواند بچنان آتشی تبدیل گردد که خرمن زندگی شاه و دستگاه حاکمه را بسوزاند.» (۹) آنها همه انقلابیون و همه مردم و ازیشان شرافتمند را دعوت میکرد به «مبارزان جنوب» بویژه از راهیویستن نهضت جنوب و یا عمل مسلحانه مستقل دعوت کردند. (۱۰) و بالاخره با انتشار نامه «عطا و ایرج کشکولی» و انمود کردید که آنها هم در ایجاد و رهبری «نهضت جنوب» نخستین کانون مبارزه مسلحانه (۱۱) سهیم اند. شایان ذکر است که بین انشعابیون و برخی دیگر از گروههای سیاسی بر سر نسبت دادن «نهضت جنوب» بخود مسابقه ای در ظاهر و مبارزه ای در باطن در گرفت.

عقب گرد سریع

وقتی نخستین آثار شکست در صفوف شورشیان جنوب آشکار شد انشعابگران با یک عقب گرد سریع اعلام کردند که «این مبارزه نه دارای برنامه سیاسی نه دارای تشکیلات سیاسی و نه دارای رهبری سیاسی بوده است و نه حتی همه افراد شرکت کننده در آن دارای آگاهی سیاسی بوده اند» (۱۲) و افزودند که «طبیعی است در چنین شرایطی

مگر نه اینستکه سرانجام مجبور به اعتراف شدند که این شورشاهیچگونه خصلت سیاسی نداشته و نمیتوانسته است داشته باشد؟ مگر میتوان بطور مصنوعی چنین جنبشی «محتوی سیاسی» داد؟ مگر میتوان فقط با دادن شعار «انقلاب قهر آمیز» مبارزه مسلحانه و جنگ پارتیزانی بوجود آورد؟

حزب ما معتقد بود و هست که برای هر مپن پرست و آزادیخواه ایرانی آرزویی بزرگتر از این نیست که رژیم ضد ملی و ضد دمکراتیک ایران هرچه زودتر و بهر وسیله سرنگون شود و جای خود را یک رژیم ملی و دمکراتیک بدهد. ولی حزب ما در همانحال که معتقد است برای تحقق این آرزو با تمام نیرو و با استفاده از تمام امکانات باید مبارزه کرد، آرزوی خود را بجای واقعیت نمیکند.

حزب ما مارکسیست - لنینیست است و بهین دلیل با شیوه علمی به تحلیل واقعیت عینی میردازد و نتیجه گیری میکند. بر همین اساس حزب ما به این نتیجه رسیده است که شرایط عینی و ذهنی انقلاب اکنون در ایران فراهم نیست. بهین جهت حزب ما و همه نیروهای انقلابی و مترقی طبقه دارند به تدارک و تأمین عامل ذهنی (که در اختیار آنهاست) یعنی افشاء ماهیت رژیم، تجهیز و تشکل مردم به مبارزه در تمام زمینه ها و با استفاده از تمام اشکال ممکن بر ضد رژیم، اجراء سازمانهای حزبی در ایران و تأمین وحدت عمل نیروهای ایوژیسیون دمکراتیک و انقلابی بپردازند تا هنگام فراهم آمدن شرایط عینی انقلاب بتوانند از آن برای استقرار حکومت ملی و دمکراتیک در ایران استفاده کنند. اینکه از چه راه اینکار انجام خواهد گرفت فقط در همان زمان معلوم و معین خواهد شد. حزب ما معتقد است که باید از همه راهها - مسالمت آمیز و غیرمسالمت آمیز - قانونی و غیرقانونی - مخفی و علنی استفاده کرد.

انشاء اساسی انشعابگران این بوده و هست که از موضع مارکسیسم - لنینیسم دور شده اند. در نتیجه تمایل خود را بجای واقعیت گذارده اند، از تحلیل مشخص اوضاع ایران سرباز کرده اند و خواسته اند شعاری را که ممکن است در نقاط دیگری صحیح باشد در قالب وضع کنونی ایران بریزند، از وقوع حوادث گوناگون در ایران از جمله شورش جنوب - نتیجه گیری های نادرست کرده اند و اینک آنها مانده اند و شعاری که محتوی واقعی و عینی ندارد.

از انشعابگران چه باقی مانده است

اگر از انشعابگران شعار «انقلاب قهر آمیز» که موجودیت سازمانی و سیاسی آنها بسته به آن بوده و هست گرفته شود (و واقعیت سر سخت - چه آنها بدان اعتراف کنند و چه نکنند - غیر واقعی بودن شعار را در شرایط مشخص کنونی نشان داده است) چه باقی میماند؟ يك مشت دشنام و اتهام به حزب توده ایران و اتحاد شوروی. فعالیت اصلی آنها در چه زمینه ایست؟ در مبارزه

با حزب توده ایران و اتحاد شوروی آیا افرادی که میخواهند در ایران انقلاب کنند فقط همین وظیفه برایشان باقی مانده است که بدشنام گوئی و افترا زنی بپردازند و به نشت فکری و تفرقه سازمانی در بین نیروهای ایوژیسیون ضد رژیم دامن بزنند؟ اینکارها را که امیرالاسم و رژیم مدتهاست بر ضد حزب ما انجام میدهند؟

زیان و خطر

زیانی که انشعابگران به حزب ما و نهضت توده ای و جنبش ملی و ضد امیرالاسمی ایران وارد کرده اند فقط این نیست که بر پیکر حزب توده ایران لطمه زده، بر نشت فکری و تفرقه سازمانی - وقتی که بیش از هر زمان دیگری اتحاد نیروها لازم است - افزوده و به تبلیغات ضد توده ای و ضد شوروی دامن زده اند. آنها با شعار «انقلاب قهر آمیز» در گروهی از جوانان و دانشجوین محیط خود امید ایجاد کردند، و حالا که این امید واهی از آب در آمده است دوران یأس، سر خوردگی و حتی تسلیم آغاز شده است. این زیانی است که اگر اثرات آن از زیان نخستین بیشتر نباشد کمتر نیست چون برای آینده مبارزه و سرنوشت نهضت اهمیت حیاتی دارد. فراموش نکنیم که رژیم میکوشد مردم ایران و بویژه جوانان و روشنفکران بفهماند که مبارزه بیفایده است و بدین ترتیب آنها را براه سازش یا بیطرفی وادارد. این خطری است که تا روشن شدن باز هم بیشتر واقع بینانه بودن شعارها و روشهای انقلابی ما بانه بیشتر میشود.

وظیفه چیست؟

اینک بار دیگر وظیفه سنگینی بردوش حزب ماست. باید نشان داد که واقع بینانه بودن يك شعار نباید و نمیتواند توجیهی برای یأس، سر خوردگی، کناره گیری، سازش و تسلیم باشد. باید این حقیقت را بهمگان فهماند که آنچه مهم است مبارزه است نه اشکال آن، و مبارزه طولانی، بفرنج و دشوار است. و بیگیری در چنین مبارزه ای است که جوهر يك انقلابی واقعی را آشکار میسازد و بیروزی مبارزه را تضمین میکند. سخن لنین بزرگ را از یاد نبریم که: «میگفت «قهرمانی در کار سازمانی طولانی مصرانه در مقیاس سراسر کشور بهر آتیب دشوارتر و در عوض بهر آتیب عالیتر از قهرمانی قامهاست.» (۱۴)

م. انوشه

- (۱) روزنامه «توده» شماره پنجم - سال اول - آذر ۱۳۴۵ (۲) مصوبات دومین کنفرانس «سازمان انقلابی حزب توده ایران در خارج از کشور» (۳) همانجا؛ (۴) همانجا؛ (۵) همانجا؛ (۶) روزنامه «توده» شماره فوق العاده تیرماه ۱۳۴۵ (۷) روزنامه «توده» شماره اول سال اول فروردین ۱۳۴۵ (۸) همانجا؛ (۹) همانجا؛ (۱۰) روزنامه «توده» شماره هشتم - سال دوم - فروردین ۱۳۴۶ (۱۱) روزنامه «توده» شماره اول - سال اول فروردین ۱۳۴۵ (۱۲) روزنامه «توده» شماره فوق العاده تیرماه ۱۳۴۵ (۱۳) همانجا؛ (۱۴) لنین آثار منتخبه - جلد دوم قسمت دوم - صفحه ۱۴

سه گروه اصلی کشورهای ملی

متوان بشکل مشروط گفت که در حال حاضر بطور نسبی حدود و ثغور متعین سه گروه اصلی کشورهای نواستقلال مشخص شده است:

۱ - گروه اول

بررأس کشورهای این گروه بورژوازی ملی به تنهایی یا در اتحاد با نیمه فئودالها و گاه ملاکان سرمایه دار قرار گرفته است. در این کشورها که بطور عمده در آسیای جنوبی و جنوب شرقی و خاور میانه قرار دارند و برخی از کشورهای مغرب (بخش عربی شمال آفریقا) را نیز باید جزء آنها دانست طبقات جامعه معاصر کم و بیش شکل گرفته اند و این طبقات با جامعه نیمه فئودالی در ده که تحت سیطره بهره کشی سرمایه داری و ماقبل سرمایه داری است همزیستی دارند. روستای ماقبل سرمایه داری یا در حال گذار به سرمایه داری هم از جهت کمی و هم از جهت اقتصادی هنوز در این کشورها مسلط است ولی شهر سرمایه داری سمت رشد را رهبری و تعیین میکند و روستا را بنیال خود میکشد. بورژوازی ملی در این کشورها بطور کلی موضع گیری ضد استعماری دارد، ولی در عین حال طبقه عمده است و در آخرین تحلیل انتقال این کشورها را براد غیر سرمایه داری مانع میشود.

۲ - گروه دوم

راه تکامل کشورهای گروه دوم که استقلال دولتی را بدست آورده اند (هر قدر هم که گاه این استقلال جنبه صوری داشته باشد) هنوز بطور نهائی روشن نشده است. باین گروه بزرگ مقدم بر همه تعداد معتدله کشورهای آفریقائی که ساخت طبقاتی نا استواری دارند متعلقند. مبارزه برای انتخاب راه تکامل در این کشورها هنوز جریان دارد.

۳ - گروه سوم

سومین گروه کشورهای هائیکه در جاده رشد غیر سرمایه داری، در سمت سوسیالیسم گام گذاشته اند. این کشورها بعنوان پیشاهنگ نیروهای نه فقط رهایی ملی بلکه رهایی اجتماعی خلقهای آسیا و آفریقا و نزدیکترین متحد سیستم جهانی سوسیالیستی و جنبش کارگری جهانی عمل میکنند. در این کشورها دموکراتهای ملی انقلابی بر سر کار هستند. این دموکراتهای ملی انقلابی با استفاده از پشتیبانی سیستم جهانی سوسیالیستی مبارزه بیگانه ضد امپریالیستی را ادامه میدهند و به اصلاحات مهم سیاسی و اجتماعی دست میزنند و برای این منظور تدابیر فاطمی برای تغییر مناسبات مالکیت در عرضه تقریباً همه اشکال اقتصادی ولی بطور عمده در عرضه اشکال فئودالی و سرمایه داری اتخاذ مینمایند. کشورهایی از قبیل جمهوری متحده عربی، الجزیره، سوریه، برمه، مالی، کینه، کنکوی برازاویل از این قبیل اند.

برخی مختصات جنبش های رهایی بخش ملی در مرحله کنونی

ذیلا ترجمه مقاله جالبی را که تحت عنوان فوق بquam برنورسور اولیوایوسکی در تاریخ سوم ژانویه ۱۹۶۸ در روزنامه پراودا چاپ شده است با اندکی تلخیص بنظر خوانندگان ارجمند «مردم» میرسانیم. عناوین داخلی مقاله از هیئت تحریریه ما گرفته شده است.

مؤسسات اقتصادی، علمی، فنی، فرهنگی، اداری و بالا بردن سطح رفاه زحمتکشان و اجراء اصلاحات اقتصادی بسود خلق است. بهمین جهت است که مبارزه در راه استقلال اقتصادی تنها يك مبارزه اقتصادی نیست، بلکه يك مبارزه عمیق سیاسی و در آخرین تحلیل يك نبرد طبقاتی است.

بدیهی است که در جامعه طبقاتی، طبقات و قشر های مختلفه نسبت به مسئله استقلال اقتصادی برخورد های گوناگونی دارند و شوم های مختلفی را برای نیل به استقلال اقتصادی بکار می بندند. بورژوازی ملی سیاست دولتی را در اکثر کشورهای رها شده هم آهنگ با منافع طبقاتی خود اجراء میکند و میکوشد با استقلال اقتصادی در چارچوب حفظ نظام بورژوازی و تکامل سرمایه داری در عین حفظ و تحکیم استقلال دولتی و حاکمیت خویش یعنی ساطه طبقاتی خود دست یابد. بورژوازی ملی مطعی قادر است طی مدت معین مبارزه با امپریالیسم را برای نیل به استقلال اقتصادی ادامه دهد و ظاهراً نقی او از اینجهت در بسیاری از کشورها هنوز خاتمه نیافته است.

ولیکن تجربه بازنده الی بیست سال اخیر تدریجاً تمایل آشکار بورژوازی ملی را برای حل تناقضات اقتصادی خود با سرمایه خارجی غالباً نه از طریق راندن او از مواضع اشغال شده اش بلکه از طریق سازش با وی (بدون ریشه کن کردن مبانی حاکمیت اقتصادی اش) نشان میدهد. بسیاری از کشورهای بزرگ آسیای جنوبی و جنوب شرقی نمونه ای از این اسلوب را نشان میدهند.

در کشورهای که بورژوازی مطعی بشابه طبقه شکل گرفته و مالکین بورژوا شده بر سر کارند سیاست اقتصادی چنان است که رشد و تکامل سرمایه داری دولتی و در مرحله اول سرمایه داری خصوصی همه جانبه تشدید میشود. طبقات حاکمه بورژوازی برای نیل باین منظور چه وسائلی را در دست دارند؟ قبل از همه حاکمیت سیاسی که بالقوه بزرگترین قدرت اقتصادی است و نیز اهرم های مالیاتی (که برای مقاصد تراکم از آن استفاده میشود) در دست آنهاست. نقش تنظیم کنندنده و مدیره دولت در کشورهای رشد یابنده در زمینه تکامل سرمایه نیست به دوران مستعمراتی افزایش معنای یافته است. ولی این نقش از کشورهای رشد یافته سرمایه داری بسی کمتر است. در کشورهای رشد یافته سرمایه داری از ۲۵ الی ۳۵ تا ۴۰ درصد درآمد ملی انباشت میشود و حال آنکه در اکثر کشورهای کم رشد میزان

انباشت از ۱۵ الی ۲۰ درصد متجاوز نیست. در این شرایط تلاش دستگاه دولتی این کشورها برای توسل به سرمایه ها و قرصه های خارجی مفهوم است و در اواسط سالهای ۶۰ میزان ۳۰ الی ۳۵ درصد سرمایه گذاری در رشته های اساسی اقتصادی کشور به این سرمایه ها و قرصه ها مربوط بوده است. سهم منابع خارجی نسبت به مجموعه سرمایه گذارها سال سال افزایش میابد و در کشورهای جنوب شرق و خاور دور به ۲۰ درصد، در هندوستان به ۳۰ الی ۳۵ درصد و در کشورهای آفریقائی به ۳۷ الی ۴۰ درصد بالغ است. خطر این وضع عبارتست از وابستگی روز افزون مالی کشورهای کم رشد به سرمایه مالی بین المللی. حساب شده است برای اینکه از طریق راه سرمایه داری این کشورها به سطح کنونی سرمایه داری غرب از جهت درآمد سرانه اهالی بر سند، حد اقل ۸۰ الی ۱۰۰ سال لازم است و این خود مردم این کشورها را به محرومتهای تازه ای محکوم میکند.

سرمایه داری مطعی خصوصی در کشورهای آسیائی و آفریقائی که از لحاظ اقتصادی کم رشد هستند بدشواری میتواند خود را گسترش دهد. بازار داخلی بسیار تنگ است، شرایط تراکم سخت محدود است وابستگی اقتصادی و مالی به انحصار های خارجی زیاد است.

مسئله دموکراتیزاسیون حیات سیاسی و اقتصادی

در شرایطی که مسائل عمده اقتصادی واجتماعی رشد تا آخر حل نشده است، وظیفه دموکراتیزاسیون حیات اجتماعی کشورهای رها شده دمدم مبرم تر و حاد تر میگردد. باید انرژی در بد اجتماعی و سیاسی بخش عمده اهالی را در این کشورها به سود شکفتگی کامل رهایی ملی آزاد ساخت. رژیم مستعمراتی بر افتاده است. در این کشورها نیرو های جدیدی بر سر کارند. در میان این افراد تعداد مبین پرستان شریف و خادمان خلق کم نیستند. ولی در عمده ترین حلقهات دستگاه دولتی، با کارمندان دستگاههای مستعمراتی قدیم، یا کارمندان که با روح سنن و مقررات کهن بار آمده اند نشسته اند. قشر فوقانی دستگاه دولتی و حلقهات میانه این دستگاه بطور عمده از افرادی که از میان قشرهای ثروتمند یا نزدیکان آنها برخاسته اند معلواست. بدین ترتیب دموکراتیزاسیون واقعی دستگاه اجتماعی و سیاسی و حیات اجتماعی در اکثریت کشورهای رها شده انجام نگرفته است. در ارتش که معمولاً در اداره امور مدنی و اقتصادی شرکت دارد و در سازمانهای امنیت و پلیس و مؤسسات اقتصادی و اداری عمده ای از کشورها فساد و رشوه خواری تا حد يك خطر اجتماعی گسترش یافته است.

در ۱۵ سال اخیر در يك سلسله از کشورهای رها شده تحول رژیم سیاسی انجام گرفته است. این تحولات بحوری از انحاء دنباله در صفحه ۴

برخی مختصات جنبش های رهایی بخش ملی در مرحله کنونی

نتیجه آنست که توده های مردم و زحمتکشان که در مبارزه با امپریالیسم مهمترین قربانیها را داده اند از بهره کشی و فقر رها نشده و سهولت محسوس در زندگی خویش احساس نمیکنند.

نیروهای مترقی این کشورها درک کرده اند که برای ارضاء توده های مردم و تأمین اصلاحاتی که برای خلق لازم است و گرایش انقلابی مبارزه ملی را بعرضه اجتماعی نیز منتقل میکند باید رهبری سیاسی نزدیک بخلق و مبتنی بر ائتلاف و سیستم اجتماعی بوجود آید. در درون چنین ائتلافی نیروهای میهن پرستی که علیه امپریالیسم مبارزه میکنند و آن قشر های اجتماعی که ضرورت طرد شیوه سرمایه داری و انتقال براه رشد کیفی متمایز غیر سرمایه داری را درک مینمایند میتوانند دست در دست هم عمل کنند.

بورژوازی ملی و پرولتاریا

در دوران مبارزه علیه رژیمهای مستعمراتی بورژوازی ملی غالباً بر رأس جنبش ملی قرار داشت. در مرحله کنونی مبارزه رهایی بخش ملی، بورژوازی ملی هم اکنون در بسیاری از کشورها ناتوانی خود را برای ادامه اجراء این نقش نشان میدهد. البته این بدینمعنی نیست که بورژوازی ملی در همه جا شرکت در مبارزه ضد امپریالیستی را رها کرده و اهمیت خود را بشماره یک نیروی ضد امپریالیستی از دست داده است. برخی از قشرهای بورژوازی و در مرحله اول قشرهای متوسط غیر انحصاری که از سیستم سرمایه خارجی زیان آشکار می بینند هنوز در این مبارزه شرکت میکنند و خواهند جست.

گرایش تاریخی در جنبش رهایی بخش ملی عبارتست از افزایش تدریجی و روزافزون نقش طبقه کارگر. ولی پرولتاریای اکثریت کشور های رها شده هنوز نقش رهبری را بدست نیاورده است. این نقش زمانی بوی تعلق خواهد گرفت که با شرکت فعال در نبرد روزمره علیه امپریالیسم و استعمار و بسود خلق، دهقانان، خورده بورژوازی شهرها و توده های غیر پرولتری خلق را بگردخوش متحد سازد. در یکسلسله از کشورها این

پروسه مثبت پیشرفت کرده است و ائتلاف نیرو های چپ با نقش فعال طبقه کارگر پدید شده است.

تجربه ده - پانزده سال اخیر همچنین نشان داده است که در آن کشورها که پرولتاریا هنوز در کار تشکیل شدن است و بصورت نیروی طبقاتی متشکلی در نیامده است دموکراسی انقلابی که بادهقانان و روشنفکران خورده بورژوازی شهر پیوند نزدیک دارد میکوشد نقش رهبری را در پروسه تعمیق انقلاب رهایی بخش ملی بعهده گیرد. دموکراسی انقلابی باینگر منافع توده های وسیع مردم است و علیه انحصار سیاسی هیئت حاکمه بورژوا یا بورژوا مالک عمل میکند. این یک پروسه ای است عمیقاً مثبت و نباید به نیروی ضد امپریالیستی و ضد سرمایه داری دموکراسی ملی انقلابی کم بها داد.

در برخی از کشورها که دموکراتهای انقلابی یا ملی سرکار آمده اند موازی با مقاومت عناصر محافظه کار خورده بورژوازی و مبارزه ارتجاع پدید جنبه ملی نوبنی که هدفش اجراء اصلاحات ضد سرمایه داری است پدید میآید. مسئله بر سر آنست که تکامل غیر سرمایه داری را تنها یک طبقه عملی نمسازد. دموکراسی ملی مورد پشتیبانی بخش قابل توجه ای از دهقانان، خورده بورژوازی شهرها، روشنفکران میهن پرست و محافل میهن پرست ارتشی است. تمام این نیروها در یک حالت متغیری هستند و گناه نسبت بیکدیگر مناسبات انتقاد آمیزی دارند.

و هواداران سرمایه داری و استعمار نوین در آنها تأثیرات عمیق میکند و همیشه قادر نیستند همه نیروها را علیه ارتجاع بسیج نمایند. اگر به برنامه اجتماعی و اقتصادی دموکراتهای انقلابی و ملی بدقت بنگریم میتوان مختصات زیرین را در این برنامه تشخیص داد:

در همه این کشورها بخش دولتی بسرعتی کما بیش در حال گسترش است و این گسترش موجب افزایش نیروهای مولده است و جانشین مؤسسات سرمایه داری خصوصی میشود یا آنها را محدود میکند.

ملی کردن سرمایه خارجی در این کشورها انجام میگردد. مواضع سیاسی و اقتصادی عناصر بورژوازی و ملاکان محلی تضعیف میگردد. یک نظام سیاسی که خصالت رژیم یک حزبی دارد و دیکتاتوری انقلابی ضد امپریالیستی است مستقر گردیده است. اصلاحاتی در زمینه قانونگزاری کار عمیق تر از دیگر کشورهای رها شده، رفهمهای ارضی که به مالکیت خارجیان و ملاکان بر زمین لطمه وارد میسازد انجام میگردد. (گرچه در برخی از کشورها اجراء زفورهای بیکبر ارضی مجاز شده

است) مشی تکامل صنعتی دنبال میگردد. سیاست ترفیخواهانه خارجی تعقیب میشود. با اتحاد شوروی و کشورهای دیگر سوسیالیستی روابط دوستانه برقرار میگردد.

کمیونتها و دموکراتهای ملی

علیرغم اختلافاتی که در این کشورها بین کمیونتها و دموکراتهای ملی وجود دارد از لحاظ تاریخی آنها در یک سمت گام برمیدارند. جائیکه بین آنها عدم توافق و اختلاف وجود دارد بیشتر باز مانده گذشته است تا قانونمندی ضرور آئینده. در مقابل آنها امپریالیسم این دشمن مشترک و دیرینه قرار دارد. سرمایه داری بشماره دورنمای تکامل آئینده دشمن مشترک مهمترین است. زیرا خطر واقعی بعینه شدن این کشورها را بوسبله همان امپریالیسم (یعنی اقتصاد جهانی سرمایه داری) و سرکار آمدن بورژوازی یا ائتلاف بورژوازی و ملاکان و بوروکراسی بورژوازی (که کشور را با کمک استعمار یون نو بگرداب سرمایه داری خواهد کشاند) بوجود میآورد.

روشن است که احدی منکر این مسئله نیست که مواضع کمیونتها و دموکراتهای ملی علیرغم اشتراك نظر در بسیاری از مسائل کاملاً با یکدیگر منطبق نیست. تفاوت قبل از همه در درک اشکال و اسالیب تحول اجتماعی و طرق تکامل آتی انقلاب و جنب توده های وسیع مردم به اداره کشور و تعیین نقش قشرها و طبقات مختلفه اجتماعی و مقدم بر همه تعیین نقش طبقه کارگر و سوسیالیسم علمی است. سکتاریسم خواهد بود اگر بر این پایه کمیونست ها و دموکراتهای ملی امکان وسیعترین و نزدیکترین ائتلاف و همکاری در مبارزه مشترک برای مداخله اساسی خلق را منتفی سازند. مبارزه و خودزندگی دموکراتهای انقلابی بیکدیگر را به استمداد بیش از بیش از توده ها و زحمتکشان و طبقه کارگر و درک اینکه تنها از طریق دفاع توده زحمتکش میتوان در میان مردم کسب حیثیت کرد و امیدارد. زندگی بطور قاطعی تمام کسانی را که صمیمانه خود را وقف خدمت به خلق کرده اند و امیدارد که به زحمتکشان و اصول سوسیالیسم علمی رو آورند.

منافع مبارزه برای رهایی کشور مطابقت که کلیه نیروهای چپ متحد شوند و همکاری کنند. شکل واحدی هم، برای سازمان و همکاری نیرو های چپ که برای تمام کشورها و برای تمام شرائط یکسان باشد وجود ندارد. اسالیب و اشکال سازمان دادن همکاری نیرو های چپ سوسیالیستی جنبش رهایی بخش ملی اکنون اتفاقاً بوسبله خود زندگی و در انطباق با شرائط کشور بوجود میآید. این نوع تجربیات دارای اهمیت تئوریک و علمی فراوانی است.

سیر انقلابات نجات بخش ملی به افراد جدا گانه، احزاب و سازمانهای توده ای و سرمایای طبقات تجربه میآموزد و پندارهای مربوط به امکان اجراء اصلاحات عمیق اجتماعی

بدون مبارزه طبقاتی را بر باد میدهد. بسیاری از دموکراتهای ملی شروع بدرک این نکته کرده اند که بیهنگام انتخاب راه سوسیالیستی باید از گنجینه سوسیالیسم علمی و تجارب تاریخی آن استفاده کرد. سوسیالیسم علمی پرچم عظیم ترین جنبش اجتماعی در تاریخ بشریت است طبقه کارگر و زحمتکشان کشورهای آسیا و آفریقا در زیر این پرچم متحد میشوند و با دیگر نیرو های انقلابی کشورهای خود و کشورهای سوسیالیستی و جنبش کارگری جهانی مشترکاً نیروئی شکست نا پذیر را بوجود میآورند.

قابل توجه علاقمندان

به نشریات توده

با تقاضای خوانندگان و با ابراز تشکر از ایشان که آمادگی خود را برای پرداخت بهای نشریات توده اعلام داشته اند، بدینوسیله بهای مهمترین نشریات توده به اطلاع همگان میرسد. ضمناً از خوانندگان گرامی خواهشمندیم که نکات زیر را رعایت فرمایند:

- ۱) بهای نشریات را به حساب بانکی اعلام شده بپردازند.
 - ۲) خوانندگان مقیم خارج از کشور معادل ریالی بهای نشریات را به پول کشور محل اقامت خود بپردازند.
 - ۳) خوانندگان گرامی بابت نشریات که تاکنون دریافت داشته اند هر قدر میتوانند کمک کنند.
 - ۴) مبلغ ارسالی را کتاباً نیز بما اطلاع دهند.
- | نام نشریه | تعداد | مبلغ |
|--------------------------------|-------|------|
| ماهنامه مردم | ۱۰ | ریال |
| مجله دنیا | ۴۰ | " |
| مجله مسائل بین المللی | ۲۰ | " |
| مایفست | ۴۰ | " |
| سرمایه (هر جلد) | ۴۰ | " |
| سخنرانی لین در کنگره دوم | ۲۰ | " |
| کمیونتهای خاور زمین | ۴۰ | " |
| دولت و انقلاب | ۴۰ | " |
| منتخبات آثار لین (هر جلد) | ۲۰۰ | " |
| برنامه حزب کمیونست اتحاد شوروی | ۲۰ | " |
| اصول فلسفه مارکسیسم | ۲۰ | " |
| آخرین دفاع روزبه | ۲۰ | " |
| یاد داشتهای فلسفی و اجتماعی | ۴۰ | " |
| گئومات | ۴۰ | " |
| خان و دیگران | ۱۰ | " |
| یاد نامه شیدان | ۲۰ | " |
| رژیم ترور و اختناق | ۱۰ | " |
| خیانت او بوطش | ۲۰ | " |
| حق ملل در تعیین سر نوشت خویش | ۳۰ | " |

Sweden
Stockholm,
Stockholms Sparbank
شماره حساب بانکی
C-1265-5

هموطنان عزیز! رفقای حزبی!

به این آدرس در استکهلم (سوئد) یا رادیو بیک ایران ماهنامه مردم، مجله دنیا و مجله مسائل بین المللی مکتوبه کنید. نظریات، انتخابات و پیشنهاد های خود را برای بهبود رادیو و مطبوعات و مجموعه فعالیت ما ارسال دارید.

P. B. 4176
Stockholm 4
Sweden

دامنه همبستگی خود را با مردم قهرمان ویشنام گسترش دهیم

ما خروج فوری نیرو های شما را از ویشنام طلب می‌کنیم ...

عده‌ای از هموطنان ما که در خارج از کشور بسر می‌برند و امکانات بیشتری برای دارند، با ابتکارات مختلف مانند اهداء خون جمع آوری دوا، تشکیل جلسات همبستگی شرکت در تظاهرات خیابانی، کار داوطلبانه در روز های تعطیل بنفع ویشنام کوشیده‌اند در حدود کمک موثر تری به یکبار عادلانه مردم ویشنام بکنند.

این فعالیتها گرچه در وهله اول ناچیز بنظر میرسد، ولی اگر منظمآ ادامه یابد و توسعه پیدا کند یاری خوبی بسرمد ویشنام خواهد رساند. علاوه این امر در حکم اجرای وظیفه وجدانی و اخلاقی هر فرد شرافتمند است که از تجاوز امیرالایسم به کشور قهرمان ویشنام متنفر است.

فرستادن نامه های فردی و جمعی به مؤسسات امریکائی در ایران و خارج توضیح خواستن از کارمندان امریکائی در مؤسسات مختلف، جمع آوری دوا و پول، نوشتن مقاله در مطبوعات، افشای جنایات امریکائیها در ویشنام در صفحات جراید، تمام اینها میتواند حس همدردی ما را با خلق ویشنام تقویت کند و تنفر نسبت به جنایات امریکائیها را به جنبشی مبدل سازد.

مردم صلح دوست و آزادی طلب ایران از تبه کاری امیرالیستهادر ویشنام برآشفتند آنها نمیخواهند که شهر ها و دهکده های ویشنام بسوزد و کودکان و زنان و مردان قتل عام شوند و تا اکنون با آنکه امکانات بسیار محدودی دارند، از راههای گوناگون مردم ویشنام یاری کرده‌اند و خروج متجاوزین امریکائی را خواستار شده‌اند.

عده‌ای از هموطنان ما با ارسال نامه های اعتراض آمیز به سفارتخانه های امریکادر تهران و کشورهای دیگر ارسال نامه و کارت پستال به موسسات مختلف امریکائی در شهر های مختلف ایران، جمع آوری پول برای مردم ویشنام فرستادن دوا و وسائل یا مسان کوشیده‌اند تا در امر مقدس مردم ویشنام که از خانه و مزرعه، از کارخانه و مدرسه خود دفاع میکنند ولو بجزان کوچکی شرکت ورزند. در یکی از این اعتراضهای جمعی نوشته شده است « شما با مداخلات نظامی خود در ویشنام حیثیت جهانی خود را بر باد داده‌اید و با ادامه کشمکش های بی ثمر مصائب بیشتری را بر ملت قهرمان ویشنام که از آزادی خود دفاع میکنند وارد نموده‌اید. تمام مردم صلح دوست جهان طلب میکنند که شما نیرو های خود را از ویشنام خارج کنید و مردم ویشنام را در تعیین سرنوشت خویش آزاد بگذارید»

دنباله از صفحه ۱

اعلامیه پولیت بوروی کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان

آنست که هر گونه اختلاف نظر را در باره مسائل دیگر کنار بگذارند و به اتحاد نیروهای خود بپردازند و مبارزه خود را برای عقیم گذاشتن نقشه های رژیم و حامیان اجنبی آن و پایان دادن به شکنجه و اعمال فشار و آزادی تمام زندانیان سیاسی و برانداختن دیکتاتوری که به نیروی اسلحه خارجی در کشور ما برقرار شده هماهنگ سازند و تقویت نمایند و برای احیای دموکراسی بکوشند.

پولیت بوروی کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان
۲۵ دسامبر ۱۹۶۷

شدیدترین و خشن ترین پاسخ رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک ایران روبرو میشود.

سیس سخنگوی جوانان توده ای ایران از خواستهای جوانان ایران، از طرز مبارزه آنها و شهامت کارگران، دانشجویان و دیگر مردم ایران که در این شرایط دشوار بیکار میکنند و پرچم مبارزه را در اهتزاز نگهداشته اند صحبت کرد و یاری جوانان بلغارستان و دیگر جوانان جهان را نسبت به مبارزان جوان ایران طلب نمود. او در سخنان گفت: « ما میدانیم که فقط با یک مبارزه بیکر و متشکل و با اتحاد همه نیروهای ملی و دموکرات و آزادی دوست میتوانیم در ایران یک جامعه دموکراتیک ایجاد کنیم که در آن جوانان ما بتوانند از تمام مزایای یک زندگی نوین استفاده کنند»

کردن و انتخاب شدن را بیلاحظه با مال مسازند و هزاران تن از شرکت کنندگان جنبش مقاومت ملی و مبارزان راه دموکراسی را در ناز داشت گاهها و زندانهای کلاسترها نگاهداری و شکنجه و اعمال فشار در زندانهای سازمان امنیت با شدت سابق ادامه دارد.

وظیفه مردم بلا کشیده، ولی بزانو درنمانده ما و تمام سازمانهای سیاسی کشور که علیه میلیتاریستها مبارزه میکنند و نمیخواهند بیگانگان با سرنوشت ملت ما بازی کنند

دنباله از صفحه ۶

رویدادهای جهان

نمایندگان بیش از ۶۰ کشور از جمله نماینده جوانان توده ای ایران شرکت داشت. او از طرف جوانان تریقخواه ایران بکنگره تبریک گفت و از موفقیتهای مردم و جوانان بلغار که پیروزمندانه پیوسالیسم را در کشور خود مسازند ابراز خرسندی نمود. نماینده جوانان توده درسرخانی خود از وضع کشور ما، از زندگی جوانان و محرومتهای آنها سخن گفت و افزود: « در دوران کنونی کشور با دیکتاتوری ظالمانه ای روبرو است، زندانیان ایران از مبارزان توده ای، دموکرات و ملی مملو شده است، آزادی بیان، قلم و اجتماعات وجود ندارد و کمترین واکنش جوانان برای گرفتن حقوق خود با

دنباله از صفحه ۱

در باره جلسه مشورتی

احزاب کمونیستی و کارگری

فوری ۱۹۶۸ تشکیل گردد، در باره هدف، خصلت و دستور کنگفرانس جهانی احزاب کمونیستی و کارگری، در باره چگونگی تدارک و برگزاری کنگفرانس مزبور، راجع بتاريخ و محل تشکیل آن و نیز در باره کلیه مسائل و پیشنهادهایی که از جانب احزاب شرکت کننده لازم تشخیص داده شود، به تبادل نظر و بحث خواهد پرداخت.

بی شک در باره تشکیل کنگفرانس و چگونگی تدارک و برگزاری آن نظریات گوناگونی وجود دارد. ضرورت تشکیل جلسه مقدماتی نیز از همین تنوع در ارزیابی مسائل و نحوه برخورد به هدف ها و خصلت کنگفرانس جهانی ناشی میگردد.

بنظر ما خصلت جمعی و عمیقآ دموکراتیک جلسه مشورتی بودایست بخودی خود گام مهمی برای نزدیک شدن نظریات احزاب و ایجاد مواضع مشترک در باره تدارک و تشکیل کنگفرانس جهانی است و مسلماً میتواند نقش بسیار ارزنده ای در رفع دشواریهای گوناگونی که طی چند سال اخیر مانع تشکیل کنگفرانس جهانی احزاب کمونیستی و کارگری شده است ابقاء نماید.

بهین جهت است که کمیته مرکزی حزب توده ایران ضمن نامه ای که در پاسخ دعوت کمیته مرکزی حزب سوسیالیست کارگری مجارستان نگاشته است صریحآ به این نکته تکیه نموده و ابتکار دعوت نمایندگان کلیه احزاب را برای مشورت جمعی و دموکراتیک در باره چگونگی تشکیل و برگزاری کنگفرانس جهانی مبای موافقت و تأیید خویش قرار داده است.

جلسه مشورتی بودایست نخستین گام مهم جمعی در راه ایجاد آنجمن شرایطی است که بتواند تمریخی کنگفرانس جهانی احزاب کمونیستی و کارگری را تأمین نماید و زمینه مناسب و صحیحی برای قدمهای مؤثر بعدی در جهت تأمین و تحکیم وحدت و همبستگی جنبش جهانی کمونیستی و کارگری فراهم سازد.

حزب توده ایران بنا به مبانی عقیده ای خود و بیثابه یکی از اعضاء سابقه دار جنبش کمونیستی و کارگری جهانی تا آنجا که در قوه دارد در راه کامیابی جلسه مشورتی بودایست و مراحل بعدی تدارک کنگفرانس جهانی صادقانه خواهد کوشید. زیرا چنانکه مکرراً خاطر نشان ساخته است تشکیل کنگفرانس جهانی را « بهترین و آزموده ترین طرق برای حصول توافق، ایجاد نظر مشترک و از بین بردن اختلافات در صفوف جنبش جهانی کمونیستی و کارگری» میدانند و وحدت و یکپارچگی جنبش بین المللی کمونیستی و کارگری را شرط اساسی

دنباله از صفحه ۱

در گذشت تختی

و از مراجعه امور ورزشی با خود داری میکرد. چندی پیش تختی یکی از دوستان خود گفت: « اخیرآ از طرف دربار برای من پولی آوردند، ولی من آنرا رد کردم و گفتم: « مال دنیا را بدینا دار بخش، جیفه را پیش سگان انداختیم. » « کیهان ورزشی در مقاله ای که بمناسبت مرگ تختی نوشت صریحآ از روحه ناراحت او سخن میگوید. « کیهان ورزشی » چنین مینویسد: « یک روزی با هم صحبت میکردیم، میگفت اگر مقصرم بگیرند. اگر مقصر نیستم پس این حرفها چیست؟ » همه میدانستند که دربار تختی را دوست ندارد.

مجموع این اوضاع در افکار عمومی تأثیر فوق العاده مثبتی بسود شخصیت تختی داشت و بهین جهت در مراسم دفن وی که روز یکشنبه ۲۳ دی در تهران برگزار شد جمعیتی انبوه از زحمتکشان و دانشجویان از تهران و شهرستانهای شمال و جنوب ایران حضور یافتند. خبرنگار اطلاعات در باره این مراسم نوشت: « عظمت مراسم هفته شادروان تختی و اندوه مردم تا اکنون هرگز سابقه و نظیر نداشته و تجلیی که از قهرمان ملی گردید خارج از حد معمول و انتظار بود.»

بنا به خواست تختی او را در مقبره شادروان شمشیری یکی از هواداران صدیق و سرسخت دکتر مصدق دفن کردند. با این تمایل، تختی ایستادگی خود را در موضع سیاسی مورد علاقه خویش ثابت کرد. مردم ایران از چنین کسان که بههوت زرق و برق استبداد نشیوند و برام خلق وفادار میمانند و میگویند تا هر یک در حیطه استعداد خویش افتخاری برای جامعه بیارینورند، سپاسگزارند در تهران شایعه خودکشی تختی جدآ مورد تردید است و بر آنند که در اینجا مسئله قتل در میان است نه خودکشی. حتی « کیهان ورزشی » باین مطلب اشاره ای دارد. از جمله مینویسد: « صورت و چهره خنده روی او در حالیکه دستش را بعنوان قدردانی بلند کرده بود و یک کمی بالاتر از تابوت دیده میشد... مثل اینکه میخواست چیزی بگوید... شاید هم داشت قائلین خود را معرفی میکرد.» حتی اگر این مطالب را شایعه بشمریم، باز علامت علاقه مردم به تختی و بی اعتنادی و کراهت آنها از دستگاه است.

ما بتوبه خود در گذشت جهان بهلوان را به خانواده و دوستان و هواداران غلامرضا تختی تسلیت میگوئیم.

موفقیت در مبارزه مشترک علیه امیرالایسم و دفاع از مصالح حیاتی طبقه کارگر و توده های زحمتکش و جنبشهای آزادی بخش خلق ها تلقی میکند.

رویدادهای جهان

ترازنامه ده روز جنگ

ارتش رهایی بخش ویت نام جنوبی و نیروهای یارتیزانی در روزهای ۲۹ و ۳۰ ژانویه تعرض وسیع و همه جانبه نظامی و سیاسی خود را همراه مردم ویتنام جنوبی علیه متجاوزان امریکائی، دولت دست نشانده سایگون آغاز کرد و طی ده روز اولیه جنگ موفقیت‌های مهمی دست یافت که دعای گراف آمیز جانسن و ژنرال وست مورلند را دایر به تسلط کامل بر شهرها و بر ۶۵ درصد اراضی ویتنام جنوبی، بکلی بر باد داده است. اگر بخواهیم از ترازنامه این ده روز عملیات بر اساس اظهارات و اعلامیه‌های ارتش نجات بخش ملی فهرست وار یاد کنیم باید نکات زیرین را متذکر شویم:

تعرض علیه ۳۷ شهر بزرگ و شهرستانهای مانند سایگون، دانانگ، هونه، تانگان، یلکوک، دالات و صد ها شهر و قصبات کوچک آغاز گردید. در سایگون نقاط مختلف مانند سفارت امریکا، ایستگاه رادیو، هتل کاراول و غیره تصرف ارتش نجات بخش در آمد. باید گفت که امریکائیان بنای جدید سفارت خود را در سایگون تصرف ناپذیر اعلام کرده بودند ولی همین دژ تصرف ناپذیر را افراد بسیار جوان ارتش نجات بخش مدت هفت ساعت در تصرف داشتند. در روزهای اخیر در سایگون ۹۰۰ تن افراد ارتش نجات بخش مشغول فعالیت شده‌اند. در این شهر بیش از ۲۰۰ هزار نفر از افراد متعلق به ارتش دولتی ویتنام جنوبی واحد های خود را ترک گفته‌اند و از نه کوی شهر هفت کوی تحت نظارت نیروی نجات بخش ملی قرار گرفته است. در بندر بزرگ هوئی پایتخت کهن ویتنام که تحت کنترل ارتش نجات بخش قرار گرفته اسلحه و مهمات فراوانی از امریکائیان بچنگ آمد. م. اقتاد.

۳۵ پایگاه نظامی و ۳۰ مرکز هوائی امریکا و از آنجمله ۱۴ پایگاه هوائی مورد تعرض قرار گرفت. ۱۵۰۰ هوایما روی زمین بملاوه ۴۰۰۰ کامیون و تانک و ازابه جنگی نابود گردید. ۵۰ کشتی جنگی و شش دستگاه فرستنده نابود گردید.

۱۰ میلیون تن بمب و کبوله و دهها هزار تن نفت و بنزین و مقدار زیادی مهمات دیگر یا نابود و یا به غنیمت گرفته شده است. ۵۰ هزار تن از افراد دشمن و از

آمنیان ۲۹ هزار نفر از متجاوزان امریکائی از عرصه پیکار رانده شدند.

۲۰ هزار مین پرست زندانی آزاد گردیدند.

۱۰ جاده های شماره ۱ و ۴ و ۱۴ که ویژه حمل و نقل مهمات و ارتش دشمن است سد گردید و صد ها یل در این جاده ها مهدم شد.

هفتمین کنگره کنفدراسیون جهانی

محصلین و دانشجویان ایرانی

در هفته اول ژانویه هفتمین کنگره کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی در فرانکفورت (آلمان غربی) تشکیل بود.

در اثر پیروز اختلاف بین برخی از نمایندگان کنگره بر سر نامزد های هیئت دبیران کنفدراسیون، کنگره موفق به انجام مهمترین کار خود یعنی انتخاب از گانهای رهبری کنفدراسیون نشد و بناچار این کار بعهده يك کنگره فوق العاده، که قرار است تا چند ماه دیگر تشکیل شود، محول گردید. این واقعه موجب تأسف همه

علاقتمندان به جنبش دانشجویان ایرانی است. ما بارها متذکر شده ایم که مشی نادرستی که از جانب گروههای معینی در کنفدراسیون در پیش گرفته شده، منجر به تشدید اختلاف و تفرقه بین دانشجویان و در نتیجه تضعیف و فلج شدن کنفدراسیون میگردد. ما بارها هشدار داده ایم که در شرایطی که پیش از هر زمان دیگر به اتحاد همه نیرو های ضد امپریالیستی و ضد رژیم نیاز هست باید به نکات مشترک در مبارزه مشترک توجه کرد و برای تخفیف و از بین بردن اختلافات، از راه مباحثات و انتقادات خلاق و دوستانه، کوشید. واقعه تأسف آور اخیر باید برای توده دانشجو، همه علاقمندان به جنبش دانشجویان ایرانی و همه کسانی که در برابر جنبش دانشجویان ایرانی و نهضت ملی و ضد امپریالیستی ملت ایران احساس مسئولیت میکنند، هشدار و درس آموزنده جدیدی باشد. ما صادقانه امیدواریم که جنبش دانشجویان ایرانی و کنفدراسیون بتوانند بر نارسائیا و اشتباهات خود غلبه کنند، اتحاد خود را در مبارزه برای دفاع از حقوق صنفی و سیاسی دانشجویان تعقیب و تحکیم نمایند و با ابتکار گام مهمی در راه تقویت و پیشرفت جنبش بردارند. ما بویژه خودمانند گذشته از هیچ کوششی در این زمینه دریغ نخواهیم کرد.

در بسیاری شهرها با پشتیبانی مردم کشته های انقلابی ایجاد شده است. در شهر سایگون سازمانی بنام « اتحاد نیرو های صلح طلب » ایجاد گردیده است.

وضع ارتش متجاوز امریکا درخسان دچار اشکال و بن بست جدی است و پیش بینی میکنند که در آنجا این نیروی متجاوز تلفات و ضایعات سنگین را متحمل خواهد شد.

ارتش رهایی بخش ملی ویتنام در تعرض وسیع خود از تجهیزات و اسلحه مدرنی که کشور های سوسیالیستی و بویژه اتحاد شوروی در اختیار آنها قرار داده اند استفاده میکنند. ما ما را اخیراً در يك مصاحبه مطبوعاتی تأیید کرد که اتحاد شوروی نقش عمده را در تجهیز ارتش نجات بخش ایفاء کرده است. این نکته است که سخنگوی جبهه نجات بخش ملی ویت نام نیز در مسکو ضمن مصاحبه

میر از یاد، فراموش مکن!

کور خونین شهیدان بتو آواز دهد؛
ما بامید وفای تو گذشتیم ز جان
ای چراغی که کنون روشن و نورافشانی
با همه هستی خود توده ای صادق باش!
تا ز تیره شب مهین ندمد مطلع فجر
میر از یاد، فراموش مکن آنهمه زجر
تا بود گردش اوضاع وطن بر این دور؛
میر از یاد ارانی را در محبس جور
مادر و همسر و فرزند عزادار بسی است
زان رفیقان که نشستند برندان بلا

دنباله از صفحه ۱

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران

در بسته نظامی احاله میگردد. این داد گاهها تا کنون دهها و صد ها تن از میهن پرستان و آزادیخواهان را بمیدان اعدام فرستاده‌اند؛ در ایران در انتخابات بزرگترین تقب ها و منطه ها انجام میگردد و تازه مجلسینی که از این انتخابات ناشی میشوند عملاً در مقابل اراده شاه مسلوب الحقدند. در ایران احزاب و مطبوعاتی که در ایوژاسیون نسبت به سیاست رسمی باشند کوچکترین حق حیات ندارند و بجز سندیکا ها و سازمان های ساخت دولت هیچ سازمان صنفی و اجتماعی دیگری نمیتواند فعالیت کند. در ایران تظاهرات مردم به شلیک بیرحمانه بسته میشود و در خون غرق میگردد و بسیاری از موازین قوانین موجود درباره کار و حق اعتصاب عملاً بلااجراء میماند و در پس پرده دود دعای برسر و صدای اصلاحی و « انقلابی » منظره واقعی یعنی و محرومیت اکثریت مطلق اهالی آشکارا دیده میشود. برای هر یک از موارد فوق میتوان نمونه های مشخص عیدیه ای ذکر کرد. ولی برای مردم ایران که خود این بار سنگین را بر دوش میکشند ارائه نمونه لازم نیست.

مقصود رژیم از تشکیل کنفرانس حقوق بشر در این بیستین سال تصویت اعلامیه حقوق بشر بویژه پنهان کردن این منظره و

مطبوعاتی تأیید نموده است. کامیابهای شگرف ارتش نجات بخش ملی ویتنام جنوبی یکبار دیگر نیروی لایزال خلقهارا در نبرد با امپریالیسم نمایان ساخته است. اکثریت مطلق بشریت از این کامیابها شادمان است. در اردو گاه امپریالیسم و ارتجاع جزن، باس و سراسیمگی حکمرواست.

در کنگره جوانان بلغارستان

در دیماه سال جاری یازدهمین کنگره « اتحادیه کمونیستی جوانان بلغارستان » در صوفیه تشکیل شد تا مسائل خاص جوانان کشور را مورد مطالعه قرار دهد و بر نقش آنها در فعالیتهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و ورزشی کشور بیافزاید. در این کنگره دنباله در صفحه ۵

« شعله ای را که فروزان شده خاموش مکن
دوستان را میر از یاد، فراموش مکن! »
نام شمع که فرو مرد، ز خاطر مزدا!
سخن روزبه کرد، ز خاطر مزدا!
منه از جاده پیکار دمی پای برون
میر از یاد، فراموش مکن آنهمه خون
دشمن مردم پر بهره و مردم بی برگ
میر از یاد سیامک را بر چوبه مرگ
گر وفا داری از این لشکر ماتم یاد آر
دم شادی، دم اندوه، بهر دم یاد آر.

زدن نقاب قانونیت و بشر دوستی و دمو کراسی بر چهره کریم خویش است.

همه ما که با سیاست ارتجاعی رژیم مبارزه میکنیم اعم از توده ای، مصدقی، روحانیون آزادیخواه و گروهها و سازمان های دیگر ملی و دمو کراتیک وظیفه داریم که در این موقع این نیرنگ رژیم را افشا کنیم. ما میتوانیم به انواع ابتکارات دست بزنیم؛ به کنفرانس حقوق بشر در تهران نامه ها و تا کرافها ارسال داریم، به میتینگ و تظاهرات بپردازیم، به شعب انجمن حقوق بشر در هر شهر و هر کشور مراجعه کنیم و آنها را درباره وضع ایران روشن سازیم به آن هیئت های نمایندگی که از کشور های محل اقامت ما در خارج از کشور به کنفرانس تهران میروند مراجعه کنیم و آنها را درباره وضع ایران روشن کنیم، مقالات و جزوات افشائی منتشر کنیم، در سمینار ها وضع ایران را در قیاس با اعلامیه حقوق بشر مطالعه میکنیم و نتایج مطالعات خود را در مطبوعات خارجی منتشر سازیم و غیره و غیره. تلاش ما میتواند نیرنگ شاه و رژیم او را عقیم گذارد.

ولی این تلاش زمانی میتواند واقعاً مؤثر شود که متفقانه باشد. در این مبارزه اختلافات عقیده ای و سازمانی نباید مانع وحدت عمل گردد. اگر این مبارزه هر چه بکانه تر هر چه متر کز، هر چه پر شورتر، هر چه وسیعتر انجام گیرد، میتوان کاری کرد که درست عکس آن نتیجه ای که شاه و رژیم میخواهند از کنفرانس آتی تهران بگیرند، حاصل آید.

کمیته مرکزی حزب توده ایران بشما مراجعه میکند و میگوید؛
دوستان هموطنان در این میدان مبارزه ضرور و مبرم متحداً وارد شویم. تجربه گذشته نشان داد، هر جا که متحداً عمل کردیم، بهتر حرف حساب خود را نمایان ساختیم. بر تنگ نظرهای گروهی و سازمانی و اختلافات جنبی و فرعی غلبه کنیم و نگذاریم که این تنگ نظرها یکبار دیگر بسود رژیم تمام شود. مبارزه در راه دمو کراسی وجه مشترک همه ماست و بیاست که در هر نقطه که باشیم باین مبارزه مشترک دست بزنیم. کمیته مرکزی حزب توده ایران